

### اثرپذیری اشعار صائب از نهج البلاغه حضرت علی (علیه السلام)

فاطمه نوریان\* / بهرام پروین\*\* / زهرا قرقی\*\*\*

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۰۵

#### چکیده

تاکنون پژوهش‌های زیادی در زمینه تأثیر نهج البلاغه بر اشعار شاعران انجام شده است. در این میان، در مورد شاعران دوره صفویه پژوهشی جامع مشاهده نمی‌شود. شاید یکی از دلایل آن این باشد که شاعران دوره صفویه بیشتر به صورت بینامتنی از سخنان علی (علیه السلام) بهره برده‌اند. در این مقاله، آثار صائب تبریزی یکی از شاعران معروف دوره صفویه بررسی شد تا مشخص شود که صائب تا چه حد از کلمات امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) به صورت مستقیم یا بینامتنی تأثیر گرفته است. به این منظور، با مطالعه کامل دیوان صائب و نهج البلاغه و با موضوعی کردن اشعار وی، بررسی متأثر بودن آن‌ها از نهج البلاغه انجام شد. نتیجه این بررسی بنا بر موضوعات مشخصی که مورد نظر بود، نشان داد که ۸۰ غزل صائب را می‌توان متأثر از سخنان علی (علیه السلام) دانست. موضوعات مورد بررسی شامل شناخت خداوند، علم، انسان، عفو خدا، صبر، نعمت، رزق، قناعت، حسد، ریا و دنیا است.

#### واژگان کلیدی

نهج البلاغه، علی (علیه السلام)، صائب تبریزی، شاعران دوره صفویه، بینامتنی.

\* . دانشجوی دکترا، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی.

[f.nourian@iau-tnb.ac.ir](mailto:f.nourian@iau-tnb.ac.ir)

\*\* . استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، (نویسنده مسئول)

[b\\_parvin@iau-tnb.ac.ir](mailto:b_parvin@iau-tnb.ac.ir)

\*\*\* . استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی.

[z\\_ghoroghi@iau-tnb.ac.ir](mailto:z_ghoroghi@iau-tnb.ac.ir)

## مقدمه

شاعران و نویسندگان بسیاری از نهج البلاغه متأثر بوده‌اند و کلام امام در اشعار و نوشته‌های آن‌ها به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم و یا به‌صورت بینامتنی و آشنایی‌زدایی آمده است. به بیان دیگر، می‌توان ادعا کرد که ادبیات فارسی به‌طور چشمگیری متأثر از کلام علی (علیه السلام) است. تاکنون پژوهش‌های زیادی در زمینه نهج البلاغه و اشعار شاعران انجام و نتایج آن‌ها گزارش شده است (جعفری، ۱۳۸۸، راثی، ۱۳۸۳، حسینی اجدادنیایی، رخشنده‌نیا و بانگ‌آور، ۱۳۹۱). با کمی دقت متوجه می‌شویم حتی پیش از جمع‌آوری نهج البلاغه (سید رضی، پایان سده چهارم هجری)، سخنان علی (علیه السلام) بر ادبیات فارسی اثر دامنه‌داری داشته و تا به امروز ادامه یافته است (جعفری، ۱۳۸۴). به‌طور کلی شاعران و نویسندگان در هر قری از نهج البلاغه بهره‌برده‌اند. در این میان، در مورد شاعران دوره صفویه گزارشی جامعی مشاهده نمی‌شود. در حالی که با توجه به شیعی بودن خاندان صفوی، انتظار می‌رود شاعران دوره آنان بیشتر از کلام علی (علیه السلام) متأثر بوده باشند ولی به علت اینکه شاعران این دوره به‌ویژه صائب، طلاپه‌دار سبک هندی بوده‌اند و از طرفی ادبای معاصر تحت تأثیر مکتب بازگشت، سبک هندی را سبک انحطاط می‌دانستند، به تأثیر نهج البلاغه بر شاعران سبک هندی پرداخته نشده است. از این‌رو، در این مورد پژوهشی جامع انجام نشده است.

در این مقاله، سعی شده است که با مطالعه اشعار صائب (یکی از شاعران دوره صفویه) و نهج البلاغه به موضوعی کردن اشعار وی و بررسی متأثر بودن آن‌ها از نهج البلاغه پرداخته شود. نظر به جامع بودن کلام امام، می‌توان اثر سخنان ایشان را به‌صورت موضوعی بررسی کرد. موضوعات موردبررسی شامل علم، شناخت خدا، عفو خدا، صبر، نعمت، رزق، قناعت، حسد، ریا و دنیا است. در این راستا، افزون بر اشعار صائب، نیم‌نگاهی هم به اشعار شاعرانی دیگر شده است. همچنین، برای رعایت اختصار تنها به ارایه شاخص‌ترین ابیات از غزل‌های متأثر از نهج البلاغه اکتفا و از آوردن این غزل‌ها به‌طور کامل پرهیز شده است. پیش از بررسی این موضوعات ابتدا نگاهی کوتاه به پیشینه پژوهش و سپس، به‌طور مختصر اشاره‌ای کوتاه به نهج البلاغه و زندگینامه و سبک اشعار صائب می‌شود.

## پیشینه پژوهش

### پیشینه نظری

بی‌گمان شعر آینه‌ای است که آموخته‌ها و دانسته‌های شاعر در آن تجلی می‌کند و می‌تواند در ایاتش تأثیرگذار باشد. با اینکه ایران از زمان‌های گذشته فرهنگ غنی داشت، ولی تحت تأثیر دین و

فرهنگ اسلامی قرار گرفت، به گونه‌ای که بیشتر شعرا و ادبا از این آموزه‌ها در آثار خود استفاده کرده‌اند. نهج البلاغه علی (علیه السلام) یکی از منابعی است که مورد استفاده شعرای معروفی مثل سعدی، حافظ، مولوی و ... قرار گرفت.

یکی از شیوه‌های تأثیرپذیری آثار ادبی از دیگر متون، بینامتنی است که در زیر به طور خلاصه به آن اشاره شده است.

### بینامتنی (بینامتنیت)

رابطه و تعامل متن با متون دیگر را بینامتنی می‌گویند. به بیان دیگر، انتقال معنی یا لفظ و یا هر دو از متنی به متن دیگر است. در گذشته به اقتباس، سرقت ادبی، تلمیح، تضمین و ... شناخته می‌شد. این شاخه ادبی در اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی در آثار ژولیا کریستوا در بررسی اندیشه میخائیل باختین، در بحث از «تخیل گفت و گویی» او مطرح شد. پس‌اساختگرایان قطعیت و یکتایی معنا را مورد تشکیک قرار دادند و حضور مؤلف چنان کم اثر شد که رولان بارت «مرگ مؤلف» را اعلام کرد. از آن پس، خواننده، معنا را پیش می‌برد و در حین خواندن متن، خود نیز به آفرینش و تولید دست می‌زد؛ معنا متنی بر نیت مؤلف قلمداد نمی‌شد و خواننده می‌توانست با توجه به پیش‌زمینه‌های ذهنی خود، معنایی ویژه را از متن برداشت کند؛ این عدم قطعیت معنا به پیدایش رویکرد بینامتنیت منجر شد (مکاریک، ۱۳۹۰، ص. ۱۷۲).

بینامتنیت، دارای سه رکن اصلی متن پنهان، متن حاضر و روابط بینامتنی است. انتقال لفظ یا معنا از متن پنهان به متن حاضر، روابط بینامتنی نام دارد و مهم‌ترین رکن نظریه بینامتنی در تفسیر متون است. بازآفرینی متن پنهان یا حضور آن در متن حاضر، به سه صورت نفی جزئی یا اجترار، نفی متقارن یا امتصاص و نفی کامل یا حوار انجام می‌گیرد (نامور مطلق، ۱۳۹۴، ص. ۱۳۱-۱۳۳). در نفی کامل افزون بر انکار متن پنهان، معنا نیز واژگون می‌شود. در نفی متقارن معنای دو متن یکی است، ولی از دو زاویه به معنایی نزدیک به هم اشاره دارند. در نفی جزئی، بخشی از متن پنهان مورد رد و انکار قرار می‌گیرد.

حسین جمعه معتقد است می‌توان بینامتنیت را به دو قسمت عمده بینامتنیت مستقیم (شامل اقتباس، تضمین) و بینامتنیت غیرمستقیم (شامل تلمیح، کنایه، تلویح و رمز) تقسیم کرد (جمعه، ۲۰۰۳، ص. ۱۵۸). بر طبق نظرهای داده شده، رابطه بینامتنیت با دیگر آرایه‌ها از نظر منطقی عام و خاص مطلق و در بعضی از آرایه‌ها مثل تلمیح و اقتباس، عام و خاص من وجه هستند.



## پیشینه تجربی

در یکی از منابع به نسبت جامع به اثر نهج البلاغه بر آثار شاعرانی دوره سامانیان تا صفویه اشاره شده است (جعفری، ۱۳۸۴، ص. ۴). در اینجا به نمونه‌هایی که در این منبع آمده است اشاره می‌شود. برای مثال، ابیات زیر از رودکی و فردوسی را می‌توان به کلام علی (علیه السلام) در مورد علم که می‌فرماید:

أَلْعِلْمُ حُرٌّ (دانش پناه و نگهبان است) (انصاری، ۱۳۷۷، ص. ۱۲)

و همچنین وَالْعِلْمُ مِصْبَاحُ الْعَقْلِ (دانش چراغ درخشان خرد است) نسبت داد. (انصاری، ۱۳۷۷، ص ۲۱).

دانش اندر دل چراغ روشن است      وز همه بد، بر تن تو جوشن است (رودکی)

ز شمشیر دیوان خرد جوشن است      دل و جان داننده زو روشن است (فردوسی)

همچنین، ابیات زیر از ناصر خسرو را می‌توان برگرفته از این کلام امام دانست که می‌فرماید:

وَلُبْسُ الْقُرْوَ مَقْلُوباً (اسلام را چون پوستینی واژگونه می‌پوشند) (خطبه ۱۰۷).

بازگونه کرده عالم پوستین      راد مردان بندگان را گشته رام

خواهی که تیر دهر نیابد تو را      جوشن ز علم جوی و ز طاعت زره

یکی از منابعی دیگری که به تأثیر نهج البلاغه بر شعر فارسی پرداخته است، کتاب «تأثیر نهج البلاغه و کلام امام امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در شعر فارسی» است (رائی، ۱۳۸۳، ص. ۱۴۹). در این کتاب با اشاره به اینکه نهج البلاغه عالی‌ترین نمونه نثر مصنوع و مسجع است، آن را مشتمل بر مضامین عالی انسانی و ارزش‌های بلند معنوی می‌داند.

همچنین، با بیان این نکته که نهج البلاغه گنجینه‌ای از خطبه‌های حماسی، مسائل اخلاقی، اجتماعی و سیاسی است، بخش‌هایی از اشعار شاعران بزرگی مانند فردوسی، سعدی، حافظ، مولوی، نظامی، ناصر خسرو، عطار و . . . را نشات گرفته از نهج البلاغه می‌داند.

مهدوی (۱۳۹۱) نیز در مقاله‌ای به تجلی مفاهیم نهج البلاغه در شعر معاصر فارسی می‌پردازد. در این مقاله آمده است که در اوایل ورود اسلام، زبان فارسی با روحی تازه حیات خود را در قالب کتاب‌ها شروع کرد، و شاعران و نویسندگان از همان زمان از قرآن، سخنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام) بهره برده‌اند. وی ضمن بررسی پیشینه تأثیرپذیری شاعران پارسی‌گوی از مفاهیم والای نهج البلاغه، به تحلیل این تأثیرپذیری در شعر معاصر فارسی پرداخته است.



پورهادی، آتنا (۱۳۹۱) در مقاله‌ای، نهج البلاغه را از زمان سامانیان تا دوره صفویان و تأثیر ژرفی که بر فرهنگ و ادبیات عربی و فارسی گذاشته است، بررسی می‌کند. در این مقاله نخست علل و عوامل تأثیرگذاری بررسی شده است. سپس نمونه‌هایی از اشعار و آثار نثر شاعران و نویسندگان فارسی از رودکی تا دوره صفویه آمده است.

خضری (۱۳۹۴) نیز در پژوهشی، بازتاب نهج البلاغه در شعر ناصر خسرو را بررسی کرده است. در مقاله او آمده است که امام علی علیه السلام بیانات ارزشمندی در خصوص فریبندگی دنیا دارد که می‌فرماید: «مَثَلُ الدُّنْيَا كَمَثَلِ الْحَيْضِ لَيْنٌ مَسْهُوا وَ الشَّمُّ النَّاقِعُ فِي جَوْفِهَا يَهْوِي إِلَيْهَا النَّرُّ الْجَاهِلُ وَيَحْذَرُهَا ذُو الدَّبِّ الْعَاقِلُ» (داستان دنیا چون داستان مار است. لمس کردن آن نرم و هموار و در اندرونش زهر مرگبار است. فریب خورده نادان به طرف آن می‌رود، و خردمند دانا از آن دوری می‌کند) (حکمت ۱۱۵). ناصر خسرو این تشبیه را در شعر خویش این‌گونه به‌کار گرفته است:

در گردن جهان فریبنده	کرده دو دست و بازوی خود چنبر
ایدون گمان بری که گرفته ستی	در بر به مهر، خوب یکی دلبر
و آگاه نیستی که یکی افعی	داری گرفته تنگ و خوش اندر بر

(ناصر خسرو، ۱۳۸۸، ص. ۱۲۷).

حسینی اجدادنیکی، رخشنده‌نیا و بانگ‌آور (۱۳۹۱) نیز در باره ناصر خسرو می‌گوید که وی نخستین شاعر خردگرا است که شعر را در خدمت اخلاق و اندیشه‌های مکتبی قرار داده و به زیبایی از دریای معرفت نهج البلاغه بهره‌ی زیادی برده است. در پژوهش وی با روش توصیفی - تحلیلی، چگونگی تأثیرپذیری ناصر خسرو از نهج البلاغه مورد بررسی قرار گرفته است.

مختاری و محبی (۱۳۹۳) در مقاله خود آورده‌اند که خیام نیشابوری و ابوالعالم معزی در سروده‌هایشان با تأثر از قرآن کریم و نهج البلاغه، گاه واژگان را در متن شعری خود وارد ساخته و گاه با الهام از مفاهیم و آموزه‌های آنها، محتوا و مضامین متعالی آنها را در قصیده‌های خود تداعی ساخته‌اند. در این مقاله به‌گزیده‌ای از اشعار شاعران یاد شده از منظر روابط بینامتنی اشاره شده است.

شریفی و خورانی (۱۳۸۹) در پژوهشی، ابیاتی از صائب تبریزی را الهام گرفته از کلام علی علیه السلام می‌دانند که می‌فرماید لا تُكُنْ عَبْدُ غَيْرِكَ وَقَدْ جَعَلَكَ اللهُ حُرّاً (بنده دیگری مباش که خدا تو را آزاد گردانیده). (نامه ۳۱).



قسمت آزادگان از عمر باشد بیشتر      سرو بی بر صد درخت پر ثمر دارد به یاد  
هر کف پوچی ز دریای پر آشوب جهان      چون حباب و موج صد تاج و کمر دارد به یاد  
گنج آزادی و گنج قناعت ملکی است      که به شمشیر میسر نشود سلطان را

حجت (۱۳۹۰) در مقاله‌ای سعی کرده برخی آموزه‌های عرفانی، در دیوان شاعر برجسته سبک هندی — بیدل دهلوی — را مورد بررسی قرار دهد. وی نشان می‌دهد که دیوان بیدل در نهایت ظرافت سرشار از آموزه‌های بلند عرفانی است. در پژوهش وی بیش از یکصد و پنجاه آموزه اسلامی و عرفانی، از دیوان بیدل دهلوی به دست آمده است.

همتی و محمدی (۱۳۹۱) به سیمای عقل و علم در دیوان پروین با تاکید بر تأثیرپذیری از نهج البلاغه پرداخته است. او در مقاله اش با روش توصیفی - تحلیلی، سیمای عقل و علم در دیوان پروین اعتصامی با تاکید بر تأثیرپذیری از نهج البلاغه را مورد بررسی قرار داده است.

ساحلی زادگان (۱۳۹۷) خلاصه‌ای از عناوین اشعار استاد شهریار را که تأثیرگذار از نهج البلاغه حضرت علی (علیه السلام) است، در مقاله‌ای به اختصار توضیح داده است. در این مقاله، با بیان اشعاری از شهریار به بیان تأثیر نهج البلاغه بر آن‌ها می‌پردازد.

#### نگاهی کوتاه به نهج البلاغه

نهج البلاغه عنوان مجموعه‌ای برگزیده از سخنان امام علی (علیه السلام) است که در سال‌های پایانی سده چهارم به دست «ابوالحسن محمد الرضی الموسوی»، ادیب و شاعر برجسته در بغداد گردآوری شده است. از همان روز تألیف تاکنون این کتاب تأثیر ژرف و گسترده‌ای بر ادبیات عربی و فارسی گذاشته است. اگرچه سخنان امام علی (علیه السلام) پیش از گردآوری نهج البلاغه نیز بر ادیبان و مورخان و اهل حکمت و دانشمندان رشته‌های گوناگون علوم و معارف اسلامی، اعم از عرب زبان و فارسی زبان، تأثیر داشته، لیکن کتاب نهج البلاغه این تأثیرگذاری را گسترش و ژرفای بیشتری بخشید. شیوه بیان امام علی (علیه السلام) برگرفته از قرآن و سنت نبوی است ولی استعداد ذاتی نیز بر موهبت‌هایش افزوده است. یکی از برجستگی‌های پر فروغ سخنان علی (علیه السلام) زیبایی لفظ و شیوایی بیان از جهت ظاهر و ژرفایی معنا و هماهنگی میان لفظ و معنا از جهت باطن و همبستگی و پیوند میان الفاظ و معنی از جهت نظم و ترتیب است. به دلایل تاریخی و قراین واقعی، امام (علیه السلام) هیچ يك از خطابه‌ها و کلامش را با آمادگی قبلی، فراهم نساخته، بیشتر آن‌ها را ناگهان در برابر پیشامدی به زبان آورده است. بنی امیه، در ضمن اقدامات



ضدعلوی خود، به جلوگیری از نقل و نوشتن سخنان ایشان می‌کوشیدند؛ در روزگار عباسیان (چون تظاهر به دوستی علی و خاندان او می‌کردند) سخنان او بر زبان‌ها و کتاب‌ها جریان یافت. این وضع که دوره حاکمیت فرهنگی و سیاسی شیعیان و ایرانیان بود دیری نپایید و با فرمانروا شدن متوکل (۲۳۳ هـ) دست پرورده ترکان ماوراءالنهر، بار دیگر نقل و گزارش سخنان علی علیه السلام و آموزش و گسترش فرهنگ شیعی ممنوع شد. لیکن این دوره هم بیش از یک سده تاب ماندن نیاورد و با درآمدن آل بویه ایرانی و شیعی به بغداد (۳۳۴ هـ). بار دیگر خرد ورزی و آزاداندیشی به بغداد بازگشت. از ویژگی‌های این دوره فراهم بودن محیط آزاد علمی و فرهنگی برای اندیشه‌ها، ظهور دائرةالمعارف‌ها، تعدد رشته‌های دانش، تأسیس کتابخانه‌های بزرگ و بسیاری دانشمندان در هر رشته‌ای از علوم است. این عصر، از شعر و ادب و شاعران و نویسندگان برجسته نیز سرشار است. در چنین دوره پر بار و بی‌مانندی است که زمینه از هر جهت برای گسترش و آموزش فرهنگ علوی فراهم می‌شود، و سید رضی، شاعر، ادیب، سخن‌شناس و دانشمند بزرگ این روزگار گزیده‌ای از سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام را گردآوری می‌کند و نهج البلاغه می‌نامد (جعفری، ۱۳۸۴). بنا به گفته سیدرضی وی این نام به دلیل اینکه در برگیرنده محتوایی است که درهای دانش را به روی طالبان و عاملان می‌گشاید و جویندگان راه بلاغت را به مقصود نزدیک می‌سازد، انتخاب کرده است. سید رضی در نهج البلاغه در برخی از موارد مستند خود را ذکر می‌کند و جمعا از (۱۵) مآخذ نام می‌برد.

ابن ابی الحدید اهل تسنن شارح نهج البلاغه معتقد است نهج البلاغه همانند قرآن، اول آن مانند وسطش و وسط آن همچون آخرش است. وی همچنین، در شرح خطبه الهاکم التکاثر - ۲۲۱ می‌گوید: من سوگند می‌خورم به همان کسی که تمام امته‌ها به او سوگند یاد می‌کنند، من این خطبه را از پنجاه سال قبل تاکنون بیش از هزار بار خوانده‌ام و هر زمان آن را خوانده‌ام، ترس و وحشت و بیداری عمیقی تمام وجود مرا در بر گرفت، و در قلب من اثر عمیقی گذاشت و در اعضای پیکرم لرزش انداخت... (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۳، ص. ۱۰۶).

#### شرح کوتاهی از زندگینامه میرزا صائب تبریزی و سبک اشعار او

میرزا محمدعلی صائب فرزند عبدالرحیم تبریزی اصفهانی در سال ۱۰۰۰ هجری قمری در اصفهان زاده شد (صفا، ۱۳۹۹، ص. ۱۲۷۱). پدر او تاجری معتبر بود. خانواده صائب جزو هزار خانواری بودند که به دستور شاه عباس اول صفوی از تبریز کوچ کرده و در محله عباس آباد اصفهان ساکن شدند و این



مردم را تبارزه (تبریزی‌های) اصفهان می‌نامیدند. صائب در اصفهان به آموختن علوم عصر پرداخت. در جوانی به حج رفت و در بازگشت به مشهد سفر کرد. صائب در سال ۱۰۳۴ ه.ق. از اصفهان عازم هندوستان شد و بعد به هرات و کابل رفت. حکمران کابل، خواجه احسن‌الله مشهور به ظفرخان، که خود شاعر و ادیب بود، مقدم صائب را گرامی داشت. در سال ۱۰۴۲ ه.ق. صائب به ایران بازگشت و در اصفهان اقامت گزید. شاه عباس دوم صفوی به او مقام ملک‌الشعرایی داد. صائب در اصفهان دیده از جهان فروبست. درگذشت او در سال ۱۰۸۶ یا ۱۰۸۷ ه.ق. بوده‌است. آرامگاه او در اصفهان، در خیابانی که به نام او نامگذاری شده‌است، قرار دارد. صائب شاعری کثیرالشعر بود، شمار اشعار صائب را از شصت هزار تا صد و بیست هزار بیت گفته‌اند. آثار صائب جز سه چهار هزار بیت قصیده و یک مثنوی کوتاه و ناقص به نام قندهارنامه و دو سه قطعه، همگی غزل است. افزون بر فارسی وی هفده غزل به ترکی آذربایجانی نیز دارد.

### بحث

#### شناخت خدا

شناخت و معرفت خدا آسان به دست نمی‌آید باید تلاش مستمر داشت که اگر شناخت نصیب فرد یا شخص بشود، عشق به خدا را هم به ارمغان خواهد آورد. در این راستا، از کلام امام معصوم (علیه السلام) است که وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ: الْأَوَّلُ لَا شَيْءٌ قَبْلَهُ، وَالْآخِرُ لَا غَايَةَ لَهُ، لَا تَقَعُ الْأَوْهَامُ لَهُ تُعَقِّدُ الْقُلُوبَ مِنْهُ عَلَى كَيْفِيَّةٍ، وَلَا تَنَالُهُ الْجَزْنَةُ وَالتَّبَعِيضُ، وَلَا تُحِطُ بِهِ الْأَبْصَارُ وَالْقُلُوبُ. (و گواهی می‌دهم که خدایی نیست جز خدای یکتا، آغاز، اوست که پیش از او چیزی نیست و پایان همه اوست که بی نهایت است. پندارها برای او صفتی نمی‌توانند فراهم آورند، و عقل‌ها از درک کیفیت او درمانده‌اند، نه چیزی برای او می‌توان تصور کرد و نه تبعیض‌پذیر است، و نه چشم‌ها و قلب‌ها می‌توانند او را به درستی فراگیرند.) (دشتی و محمدی، ۱۳۸۰، ص. ۳۵). بخشی از غزلی از صائب را می‌توان به این کلام امام نسبت داد.

مدّ احسان محیط تو رسا افتاده است	لاف یکتایی هر قطره ز یکتایی توست
گر چه در حجله ناز است رخت پرده نشین	شور هر انجمن از انجمن آرای توست
کیست بی‌پرده به خورشید نظر باز کند؟	چشم پوشیده ما حجت پیدایی توست
موج بی‌جنبش دریا ره خوابیده بود	هر که را درد طلب هست ز جوایبی توست
از لطافت نتوان یافت کجا می‌باشی	جای رحم است بر آن کس که تماشایی توست



روزن از مهر جهانتاب بصیرت دارد      نور آگاهی ما پرتو بینایی توست  
 کیست صائب که به توحید تو گویا گردد؟      قوت بازوی کلکش ز توانایی توست  
 (صائب، ۱۳۹۸، ص. ۴۰۶-۴۰۷)

و در غزلی دیگر صائب می گوید:

ای هر دو جهان خاک ره سرو روانت      گردون مطوق یکی از فاختگان  
 عمری است فلک می خورد از جام شفق خون      شاید که شمارند ز خونابه کشانت  
 بر کوتاهی بینش خود دادگواهی      آن کس که نشان داد برون از دو جهان  
 پنهان تر ازانی که توانت به نشان یافت      پیداتر ازانی که بیرسند نشانت  
 گردون که به گردش نرسد فکر جهانگرد      گردی است که برخاسته از راهروانت  
 جوشیدن آب از جگر سنگ به تعجیل      یک چشمه سهل است به فرمان روانت  
 فرعون که می زد لمن الملک ز نخوت      در بحر عدم غوطه زد از چوب شبانت

(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۴۲۸-۴۲۹)

همچنین، کلامی دیگر از امام است که **وَإِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَمْ تَتَّكُفْ فِي الْعُقُولِ فَتَكُونَ فِي مَهَبِّ فِكْرِهَا مَكِيفًا وَ**  
**لَا فِي رَوِيَاتِ خَوَاطِرِهَا فَتَكُونَ مَحْدُودًا مَصْرَفًا** (خدایا تو همان خدای نامحدودی هستی که در اندیشه‌ها  
 نگنجی تا چگونگی ذات تو را درک کنند، و در خیال و وهم نیایی تا تو را محدود و دارای حالات گوناگون  
 پندارند) (دشتی و محمدی، ۱۳۸۰، ص. ۴۱). بخشی از غزل صائب را می توان به این کلام امام  
 معصوم **عليه السلام** نسبت داد.

چو آینه دان تو خورشید باشد      چه باشد عذار تریا فشانت  
 ندانم چگونه است آینه تو      که شد خیره چشمم ز آینه دانت  
 نشان تو ای بی نشان از که جویم؟      که در بی نشانی است پنهان نشانت

(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۴۳۰)

و یا بخشی دیگر از غزلی دیگر از وی را می توان نشات گرفته از این کلام دانست.

نتوان در حرم و دیر خدا را جستن      مگر این گنج کسی در دل ویران جوید  
 طلب گوهر شهوار نماید ز حباب      هر که حق را ز سرپایده امکان جوید

(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۶۱۶)

در کلامی دیگر امام معصوم **عليه السلام** می فرمایند:



فَتَبَارَكَ اللهُ الَّذِي لَا يَلْبِغُهُ بَعْدَ الْهَمِّمْ، وَلَا يَنَالُهُ حَدْسٌ (حَسُّ) الْقَطَنِ، الْأَوَّلُ الَّذِي لَا غَايَةَ لَهُ فَيَنْتَهِي، وَلَا آخِرَ لَهُ فَيَنْقِضِي. (خداوند برتر و بزرگ است. خدایی که اندیشه‌های ژرف، حقیقت ذات او را نتوانند درک کنند، و گمان زیرک‌ها آن را نمی‌یابد، آغازی است که نهایی ندارد تا به آخر رسد، و پایانی ندارد تا ایام او سپری شود.) (دشتی و محمدی، ۱۳۸۰، ص. ۴۶)

در این راستا، صائب چنین سروده است:

در کنه ذات حق نرسد فکر دوره گرد      نزدیک راه خود به خیال صفات کن

(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۱۲۳۷)

همچنین، امام معصوم (علیه السلام) در مورد شناخت معرفت در خطبه ۳/۴۹ می‌فرماید که لم یطلع العقول علی تحدید صفته (عقل‌ها را بر حقیقت ذات خود آگاه نکرده، اما از شناخت معرفت خود باز نداشتنه است) (دشتی و محمدی، ۱۳۸۰، ص. ۲۳). نظر صائب در این مورد را در غزل زیر می‌توان به کلام علی (علیه السلام) نسبت داد:

یوسف شود آن کس که خریدار تو باشد	عیسی شود آن خسته که بیمار تو باشد
گر خاک شود، سرمه خاموشی سیل است	آن سینه که گنجینه اسرار تو باشد
هر جا که قفس از تو خیابان بهشتی است	خوش وقت اسیری که گرفتار تو باشد
سیلاب قیامت به نظر موج سراب است	آن را که نظر واله رفتار تو باشد
بر چهره گل پای چو شبنم نگذارد	آن راهروی را که به پا خار تو باشد
خوابی که به از دولت بیدار توان گفت	خوابی است که در سایه دیوار تو باشد
از چشمه خورشید، جگر سوخته آید	هر دیده که لب تشنه دیدار تو باشد
در رشته کشد گوهر خورشید نگاهش	چشمی که به رخسار گهر بار تو باشد
صائب اگر از خویش توانی بدر آمد	این دایره‌ها نقطه پرگار تو باشد

(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۵۶۰)

### علم

امام علی (علیه السلام) در نامه ۳۱ به امام حسن (علیه السلام) می‌فرمایند: واعلم أنه لا خیر فی علم لا ینفع (بدان علمی که سودمند نباشد فایده‌ای نخواهد داشت و دانشی که سزاوار یادگیری نیست سودی ندارد.) (دشتی و محمدی، ۱۳۸۰، ص. ۱۵۷) در این مورد صائب این‌گونه سروده است:

تیرگی بیرون نرفت از دل به علم ظاهری      خانه را روشن نمی‌سازد چراغ پشت بام

(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۱۰۹۶)

همچنین، درجایی دیگر علی (علیه السلام) فرموده‌اند مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ، وَلْيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِلِسَانِهِ وَ مَعْلَمُ نَفْسِهِ وَمُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مَعْلَمِ النَّاسِ وَمُؤَدِّبِهِمْ. (کسی که خود را رهبر مردم ساخته، باید پیش از آن که به تعلیم دیگران پردازد، خود را بسازد، و پیش از آن که به گفتار تربیت کند، با کردار تعلیم دهد، زیرا آن کس که خود را تعلیم دهد و ادب کند سزاوارتر به تعلیم است از آن که دیگری را تعلیم دهد و ادب آموزد.) (دشتی و محمدی، ۱۳۸۰، ص. ۹۴). بیت زیر را می‌توان متأثر از این کلام دانست.

سرایت می‌کند در عالمی بی قیدی عالم      که از گمراهی رهبر جهان گمراه می‌گردد

(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۸۶۱)

### انسان

امام علی (علیه السلام) در مورد بی‌نیازی انسان، چنین می‌فرماید که:

الْعَنَى فِي الْغُرْبَةِ وَطَنٌ وَالْفَقْرُ فِي الْوَطَنِ غُرْبَةٌ

(دارائی در غربت، وطن است و بی‌چیزی در وطن غربت است) (حکمت ۵۳).

در این مورد صائب این‌گونه سروده است که

هر جا شراب هست غم آشنا مخور      بیگانه می‌شود به دو پیمانۀ آشنا (صائب، ۱۳۹۸، ص. ۳)

یکی از صفات انسان عیب‌جویی از دیگران است که در دستورات شریعت این کار مذمت شده است.

از این رو، امام معصوم (علیه السلام) برای بازداری انسان از عیب‌جویی دیگران، می‌فرماید: مَنْ نَظَرَ فِي عَيْبِ نَفْسِهِ اشْتَغَلَ عَنْ عَيْبِ غَيْرِهِ (هر کس در عیب خویش بنگردد از عیب دیگران باز ماند) (حکمت ۳۴۱). صائب نیز با بهره‌گیری از این کلام امام، ابیات زیر را در غزل‌هایی سروده است.

عیب خود دیدن مرا ز اهل هنر ممتاز کرد      منفعت از پا زیاد از پر بود طاووس را

(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۳۶)

از بس گرفته است مرا در میان گناه      از شرم ننگرم به بسار و یمین خویش

(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۱۰۱۱)



## عفو خدا

امام در مورد عفو خداوند که می‌فرماید: يَقْضِي بَعْلَمٍ وَيَعْفُو (يَعْفِرُ) بِحِلْمٍ (از روی علم و دانایی حکم می‌فرماید و از روی حلم و بردباری می‌بخشد) (خطبه ۱۵۹). در مورد عفو صائب در ابیات زیر که بر گرفته از غزل‌های اوست از کلمات امام استفاده کرده است.

- پیش عفو حق چه باشد جرم ما آلودگان؟ بحر از سیلاب یک ساعت دگرگون می‌شود  
(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۸۳۸)
- چون پر کاه بود در نظر عفو سبک گنهی را که به میزان نتوان سنجیدن  
(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۱۲۲۰)
- محیط از چهره سیلاب گرد راه می‌شوید چه اندیشد کسی با عفو حق از گرد ذلت‌ها  
(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۲۰۷)
- نسخه مغلوط در دیوان محشر باب نیست چون قلم بر نسخه اعمال خود گردیدنی است  
(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۲۸۲)

## صبر

علی (علیه السلام) در باره صبر و آثار می‌فرماید: لَا يَتَدَمُّ الصَّبُورُ الظَّفَرَ، وَإِنْ طَالَ بِهِ الزَّمَانُ. (پیروزی را از شکیبایی و بردباری جدا نمی‌شود، هر چند روزگار بر آن طولانی شود) (حکمت ۱۴۵). صائب نیز ابیاتی برگرفته از غزل‌هایش در مورد صبر دارد که می‌توان آن‌ها را نشات گرفته از کلام امام دانست.

- از صبر، عزیزان چه ثمرها که نچیدند بی حاصلی ما ز شتاب است در اینجا  
(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۹)
- آب حیوان در عقیق صبر پنهان کرده‌اند این چنین آب گوارایی ننوشیدن چرا  
(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۲۰)
- می‌تواند به نفس کرد جهان را روشن هر که چون صبح برآرد به تأمل دم را  
(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۳۵)
- مکن ز بستگی کار، شکوه چون خامان که صبر غنچه گره را گره گشا کرده است  
(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۱۳۹)

همچنین، بیت‌های زیر از صائب را می‌توان به این سخن امام نسبت داد که الصَّبْرُ مَرَّةُ اليَقِينِ (صبر میوه یقین است) (آمدی، ۱۳۳۷، ص. ۱۸).

به صبر از ورطه هستی توان رست      به لنگر کشتی از طوفان برآید

(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۵۷۹)

سختی ایام را صائب گوارا کن به صبر      چاره این راه ناهموار همواری بود

(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۶۰۴)

به قدر حوصله از راز می‌کنند آگاه      که بحر جای گهرهای شاهوار بود

(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۶۱۲)

به منزل از همه کس بیشتر رسد صائب      سبکروی که درین راه بردبار بود

(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۶۱۲)

می‌شود دانه انگور به مهلت می‌ناب      مَهْر طاقْت به لب پر گله می‌باید زد

(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۶۵۹)

صائب از خار به تعجیل گذشتن ستم است      همه را بر محک آبله می‌باید زد

(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۶۵۹)

از صبوری در گشاد کارها بگزین کلید      برنیاید هیچ قفل محکمی با این کلید

(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۷۳۷)

به اهل صبر فلک بیش می‌کند کاوش      که تیر بر هدف پایدار می‌ریزد

(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۸۲۰)

صبور باش به زندان و چاه چون یوسف      که یک دو روز بود کار بر عزیزان تنگ

(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۱۰۶۵)

توان ز سختی ایام صبر هر کس یافت      عیار زر شود از سنگ امتحان معلوم

(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۱۱۶۷)

کشتی چو باخت لنگر خود، زود بشکند      زنهار در کشاکش دوران صبور باش

(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۱۰۰۱)



## نعمت

یکی از سخنان علی (علیه السلام) در باره نعمت این است که وَلَا يُحْصِي نِعْمَاءَ الْعَادُونَ (حسابگران از شمارش نعمت‌های و بخشش‌های او در مانده‌اند) (خطبه، ۱). صائب نیز در غزل‌هایش به هم اشاره‌هایی دارد که می‌تواند برگرفته از این سخن امام باشد. برای مثال،

چون قضایی می‌شود نازل، مزن چین بر جبین در به روی میهمان غیب بستن خوب نیست  
هست چون در هر نفس آماده صد نعمت تو را صائب از شکر خدا غافل نشستن خوب نیست  
(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۴۸۸)

مدّ احسانی که نامش بر زبان‌ها مانده است می‌کشد کلک قضا هر روز در دیوان صبح  
زحمت روزی نباشد بر دل روشندان پخته می‌آید برون از خوان قسمت نان صبح  
(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۵۳۱)

به احسان ای توانگر دستگیری کن فقیران را که دریا بهر ریزش ابر را سیراب می‌سازد  
(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۸۲۷)

و یا در جایی دیگر می‌گوید:

مشو از شکر حق غافل که حق از خلق نعمت را نمی‌گیرد به کفر، اما به کفران باز می‌گیرد  
(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۸۷۲)

به تو نااهل ز الوان نعم بی خواهش چه ندادند که دیگر ز خدا می‌طلبی؟  
(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۱۳۵۱)

## رزق

از گفتار علی (علیه السلام) در نامه ۴۳/۳۱ در باره رزق است که: فَأَعْتَصِم بِالَّذِي خَلَقَكَ وَرَزَقَكَ وَسَوَاءَ  
وَلِيُكُنْ لَهُ تَعْبُدُكَ وَإِلَيْهِ رَغْبَتُكَ وَمِنْهُ سُقَّتُكَ (پس به قدرتی پناه ببر که تو را آفریده، روزی داده، و در اندام  
تو اعتدال قرار داده، پس بندگی تو فقط برای او باشد، و تنها مشتاق او باش، و از او بترس) (دستی  
ومحمدی، ۱۳۸۰ ش، ص. ۱۵۸).

مگر غافل شدی کز خرمن چرخ است رزق تو؟ که گردن کج کنی چون خوشه، پیش خوشه‌چین اینجا  
(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۸)

غم روزی مخور صائب اگر از سیر چشمانی که نعمت در رکاب چشم‌های سیر می‌آید  
(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۷۸۲)



در جایی دیگر امام علیه السلام فرموده است که: اللهم صن وجهی بالیسار، ولا تبذل (تبتذل) جاهی بالافتار، فاسترزق طالبي رزقك (رفدك)، واستعطف شرار خلقك وابتلني بحمد من اعطاني، واقتن بدّم من منعتي، وانت من وراء ذلك كله ولي الاعطاء والمنع، ائت على كل شيء قدير (خدایا آبرویم را با بی نیازی نگهدار، و با تنگدستی شخصیت مرا لکه دار مفرما، که از روزی خواران تو روزی بخوایم، و از آدم های بدکردار عفو و بخشش طلبیم، مرا در ستودن آن کس که به من عطایی فرمودم موفق فرما، و در نکوهش آن کس که از من دریغ داشت آزمایش کردم، در صورتی که در پشت پرده، اختیار هر بخشش و دریغی در دست تو است و تو بر همه چیز توانایی) (دشتی و محمدی، ۱۳۸۰، ص. ۱۳۹). در این رابطه ابیات زیر از صائب را می توان نشأت گرفته این سخن امام دانست.

ز گوهر دهد لقمه‌ات ابر نیشان	اگر چون صدف پاک سازی دهان را
برآور ز دل آه گردون نوردی	ز سر باز کن این شرار و دخان را
ز تن دست بردار و جان را صفا ده	که آینه چشم است آینه دان را
به غیر زیان نیست در خود فروشی	اگر سود خواهی ببند این دکان را

(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۲۹)

کریم را ز طرف نیست چشم استحقاق	به کفر، رزق ز کافر خدا نمی‌گیرد
--------------------------------	---------------------------------

(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۹۳۰)

آسمان است تو را ضامن روزی، وز حرص	رزق خود را تو ز هر در چو گدا می‌طلبی
-----------------------------------	--------------------------------------

(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۱۳۵۱)

و درجایی دیگر امام علیه السلام می‌فرماید: قَدْ تَكْفَلْ لَكُمْ بِالرِّزْقِ وَأَمْرُكُمْ بِالْعَمَلِ؛ فَلَا يَكُونَنَّ الْمَصْمُونُ لَكُمْ طَلْبُهُ أَوْلَىٰ بِكُمْ مِنَ الْمَعْرُوضِ عَلَيْكُمْ عَمَلُهُ، مَعَ أَنَّهُ وَاللَّهِ لَقَدْ اعْتَرَضَ الشَّكُّ وَدَخَلَ الْيَقِينُ، حَتَّىٰ كَانَ الَّذِي ضَمِنَ لَكُمْ قَدْ فُرِضَ عَلَيْكُمْ وَكَانَ الَّذِي قَدْ فُرِضَ عَلَيْكُمْ قَدْ وُضِعَ عَنْكُمْ (خداوند روزی شما را ضمانت کرده و شما را به کار و کوشش امر فرموده، پس نباید روزی تضمین شده را بر آنچه که واجب شده مقدم دارید، با این که به خدا سوگند آن چنان نادانی و شک و یقین به هم آمیخته است که گویا روزی تضمین شده بر شما واجب است، و آن چه بر شما واجب کرده‌اند، برداشتند) (دشتی و محمدی، ۱۳۸۰، ص. ۶۰).

پاک کن روزنه دیده خود را ز غبار	اگر از چشمه خورشید ضیا می‌طلبی
نفس گرم کند غنچه دل را خندان	تو گشایش ز دم سرد صبا می‌طلبی



- چون نیندند به روی تو در فیض، که تو همه چیز از همه کس در همه جا می‌طلبی  
با دل پر هوس از آه اثر داری چشم پای بوس هدف از تیر خطا می‌طلبی  
(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۱۳۵۱)
- تو از کوتاه بینی می‌کنی اندیشه روزی وگرنه آسیای آسمان پیوسته می‌گردد  
(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۸۶۱)
- رزق بی کوشش نمی‌آید به کف، حرف است این نیم‌نانی می‌رسد تا نیم‌جانی در تن است  
(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۲۴۳)
- این که روزی بی تردد می‌رسد افسانه است پنجه کوشش کلید رزق را دندان است  
(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۲۹۸)
- رزق ما بی دست و پایان بی طلب خواهد رساند در رحم آن کس که روزی را مهیّا کرده است  
(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۳۴۰)
- در رحم اطفال از تحصیل روزی فارغند مانع رزق مقدر خانه در بسته نیست  
(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۴۷۷)
- می‌رسد رزق به اندازه حاجت صائب بر زیادت طلبان آب و گیا نیمرس است  
(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۳۷۹)
- تا دهن باز است روزی می‌رسد از خوان غیب عقد دندان‌ها کلید رزق را دندان است  
(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۲۴۹)
- غم روزی و توکل نشود با هم جمع بستن توشه درین ره به کمر زناز است  
(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۲۵۴)
- رزق خاموشان شود اکثر معانی لطیف کوزه سر بسته را قسمت شراب بی غش است  
(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۲۷۸)
- نسازد صیقل اقبال این آینه را روشن که ظلمت رزق اسکندر ز آب زندگی باشد  
(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۵۶۳)
- ز گرد تا نفتاده است آسیای فلک چرا کسی ز غم رزق دیده تر دارد؟  
(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۶۲۹)
- آنچه از مائده فیض بر این نه طبق است رزق جمعی است که در پرده شب بیدارند  
(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۶۴۲)





- روزی هر کسی از راه نصیب آماده است      قسمت گرگ محال است به قصاب رسد  
 (صائب، ۱۳۹۸، ص. ۶۴۹)
- نیست موقوف طلب روزی ثابت قدمان      قسمت خشت سر خم می سر جوش شود  
 (صائب، ۱۳۹۸، ص. ۷۰۱)
- مدار رزق به اقبال قسمت است که من      در آستین شکر و زهر در دهن دارم  
 (صائب، ۱۳۹۸، ص. ۱۱۰۹)

### قناعت

علی علیه السلام در مورد قناعت بسیار سخن گفته‌اند. برای مثال، *كُنْ بِالْقَنَاعَةِ مُلْكًا* (با قناعت می‌توان پادشاهی کرد) (حکمت ۲۲۰). ابیات زیر از غزل‌های صائب را می‌توان به این سخن علی علیه السلام نسبت داد.

- شنیدی روزی آدم چه شد از خوردن گندم به نان جو قناعت کن ز نان گندمین اینجا  
 (صائب، ۱۳۹۸، ص. ۸)
- نان جو خور، در بهشت سیرچشمی سیر کن      می خوری خون از برای نعمت الوان چرا  
 (صائب، ۱۳۹۸، ص. ۲۱)
- مور صحرای قناعت دل شادی دارد      که بود دست سلیمان به نظر زندانش  
 (صائب، ۱۳۹۸، ص. ۱۰۰۸)
- حیات جاودان خواهی به صحرای قناعت رو      که دارد یاد هر موری درین وادی سلیمان‌ها  
 (صائب، ۱۳۹۸، ص. ۱)
- در جایی دیگر می‌فرمایند: *الْقَنَاعَةُ مَالٌ لَا يَتَقَدَّرُ* (قناعت دارائی است که نابود نمی‌شود) (حکمت ۵۴).
- بیت‌های زیر از غزل‌های صائب را می‌توان برگرفته از این سخن علی علیه السلام دانست.
- چو سرو هر که به آزادگی قناعت کرد      ز برگریز محال است بینوا گردد  
 (صائب، ۱۳۹۸، ص. ۷۶۰)
- بمال بر لب خونخوار حرص، خاک قناعت      وگرنه تشنگی افزاست آب شور تمنا  
 (صائب، ۱۳۹۸، ص. ۲۳)
- ناز دولت نکشند اهل قناعت صائب      کمر و تاج کم از موج و حباب است اینجا  
 (صائب، ۱۳۹۸، ص. ۵)



### حسد

از سخنان امیرالمؤمنین در باره حسد است که **وَلَا تُحَاسِدُوا، فَإِنَّ الْحَسَدَ يَأْكُلُ الْإِيمَانَ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ** (حسد نورزید که حسد ایمان را چونان آتشی که هیزم را خاکستر کند، نابود می‌سازد) (دستی و محمدی، ۱۳۸۰، ص. ۳۶). در جایی دیگر می‌فرماید **الْحَسَدُ شَرُّ الْأَمْرَاضِ** (حسادت کلید بیماری‌ها است) (آمدی، ۱۳۳۷، ص. ۱۵). سروده‌های زیر از صائب نشأت گرفته از این سخن امام (علیه السلام) است.

در دل هر که حسد نیست غم دوزخ نیست تخم آن آتش جانسوز شرار حسد است  
(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۳۰۴)

ز قرب آینه در دل غبار رشک ندارم که چشم شیشه دلان جوهر نگاه ندارد  
(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۸۸۰)

جهان به چشم حسودان سیاه می‌سازد چو لاله با جگر داغدار خندیدن  
(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۱۲۲۱)

### ریا

در رابطه با ریا حضرت علی (علیه السلام) در نهج البلاغه می‌فرماید: **وَأَعْمَلُوا فِي غَيْرِ رِيَاءٍ وَلَا شُمُعَةٍ، فَإِنَّهُ مَنْ يَعْمَلْ لِعِزِّ اللَّهِ يَكِلَهُ اللَّهُ لِمَنْ عَمِلَ لَهُ.** (عمل نیک انجام دهید بدون آن که به ریا و خودنمایی مبتلا شوید، زیرا هرکس کاری برای غیرخدا انجام دهد، خدا او را به همان غیر واگذارد) (دستی و محمدی، ۱۳۸۰، ص. ۱۳). ابیات زیر از غزل‌های صائب را می‌توان به این سخنان امام (علیه السلام) نسبت داد:

رواجی نیست در محشر عبادات ریایی را به سیم قلب نتوان ماه کنعان را خرید آنجا  
(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۴)

در پس پرده تزویر و ریا زاهد خشک عنکبوتی است که دام مگسی می‌سازد  
(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۸۲۸)

به تسیح ریای زاهدان از ره مرو صائب که چندین دام مکر اینجا عنان بگسسته می‌گردد  
(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۸۶۱)

### دنیا

امام علی (علیه السلام) در باره دنیا می‌فرماید: **قَدْ أَهْلَوْفِي طَلَبِ الْحَرَجِ أَوْ هُدَا سَبِيلِ الْمَنَاجِحِ؛ وَعُمْرُوا مَهَلَّ الْمُسْتَعْتَبِ، وَكُشِفَتْ عَنْهُمْ سُدْفَةُ الرَّيْبِ، وَخُلُّوا الْمَضَامِرَ الْجِيَادِ (الْحِيَارِ)، وَرَوِيَةَ الْإِرْتِيَادِ، وَأَنَاةَ الْمُقْتَبَسِ (الْمُقْتَبِينَ)**



الرَّتَادِ الْمُتَّقِينَ)، فِي مَدَقِّ الْأَجَلِ وَمُضْطَرَبِ الْمَهْلِ (مردم) در این چند روز دنیا مهلت داده شدند، تا در راه صحیح قدم بردارند، راه نجات نشان داده شده تا رضایت خدا را بجویند، تاریکی های شک و تردید از آن ها برداشته شد، و آن ها را آزاد گذاشته اند تا برای مسابقه در نیکوکاری ها خود را آماده سازند، تا فکر و اندیشه خود را به کار گیرند و در شناخت نور الهی در زندگانی دنیا تلاش کنند) (دشتی و محمدی، ۱۳۸۰، ص. ۳۲). نظر صائب نسبت به دنیا را در بیت های زیر می توان نشات گرفته از این سخنان امام دانست.

درین عبرت سرا مگشا زنهار بی عبرت      که می گردد ز گوهر قیمتی تار نگاه اینجا

(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۱۰)

جهان چون کاروان ریگ دارد نعل در آتش      مکن چون غافلان ریگ روان را تکیه گاه اینجا

(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۱۰)

جهان استخوانی است بی مغز صائب      به پیش سگ انداز این استخوان را

(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۲۹)

مده چو تیر هوایی به باد عمر عزیز      کشیده دار کمان تا نشان شود پیدا

(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۱۴)

زین گلستان عاقبت چون باد می باید گذشت      بر درختی هر زمان چون تاک پیچیدن چرا

(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۲۰)

در هوای کام دنیا می فشانی جان چرا      می کنی در راه بت صید حرم قربان چرا

دل به دنیای دنی دادن نه کار عاقل است      می دهی یوسف به سیم قلب ای نادان چرا

چیست اسباب جهان تا دل در او بندد کسی      می کنی زنار را شیرازه قرآن چرا

در بیابان عدم بی توشه رفتن مشکل است      نیستی در فکر تخم افشانی ای دهقان چرا

می کشند آبی علوی انتظار مقدمت      مانده ای در بند این گهواره چون طفلان چرا

از بصیرت نیست گوهر را بدل کردن به خاک      آبروی خویش می ریزی برای نان چرا

(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۲۰)

صائب از مکر جهان بی وفا غافل شدم      دامن رهن ز غفلت خوابگاهی شد مرا

(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۱۸۴)

دل روشن بد و نیک جهان را خوب می بیند      کجا آینه رو از زشت و از زیبا بگرداند؟

(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۵۹۶)



- درین انجمن خویش را میهمان دان منہ بر دل خود غم میزبانی  
(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۱۳۱۸)
- به فکر سرای بقا باش صائب منہ دل به تعمیر دنیای فانی  
(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۱۳۱۸)
- در رستخیز رو به قفا حشر می شو ای غافل که پشت به دنیا نکرده‌ای  
(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۱۳۵۵)
- لطف حق ما را ز دنیای دنی دارد دریغ ورنه دنیا را دریغ از ما نمی‌دارد کسی  
(صائب، ۱۳۹۸، ص. ۱۳۴۴)

### نتیجه‌گیری

در این پژوهش، با مرور کل دیوان صائب تبریزی مشخص شد که می‌توان اشعار وی را در بیش از ۷۰ موضوع گروه‌بندی کرد. در این میان، حدود ۸۰ غزل الهام‌گرفته از سخنان علی (علیه السلام) شناسایی شدند که می‌توان آن‌ها را در ۱۰ موضوع مشتمل بر شناخت خدا، علم، انسان، عفو خدا، صبر، نعمت، رزق، قناعت، حسد، ریا و دنیا دانست. این بررسی نشان داد که صائب نکته‌های اخلاقی را با زبانی ساده و مردمی تذکر می‌داده و شیوه او تازگی و طرز جدیدی داشته است و همین شیوه، او را از دیگران متمایز کرده است. در سرودن غزل‌های اخلاقی - عملی که بر اعتدال استوار است از آیات قرآن بسیار استفاده کرده است. همچنین، اثر کلام حضرت علی (علیه السلام) بیشتر به صورت غیرمستقیم و یا بینامتنی بر اشعار صائب آشکار شده است. در این راستا، اشعار سروده شده توسط صائب در رابطه با «شناخت خدا» و «عرفان» که بیش از ۳۵۰ غزل را در بر دارد، تأثیر چشمگیرتری از سخنان امام داشته‌اند. همچنین، غزل‌هایی که نشأت گرفته از «اخلاقیات» است را نیز می‌توان متأثر از کلام ایشان دانست. این در حالی است در دیوان صائب کمتر به «علم» پرداخته شده (۳۲ غزل) و کمتر هم متأثر از بیانات امام بوده است.

## منابع

### قرآن کریم

- نهج البلاغه، ۱۳۲۶ ش، ترجمه و شرح نهج البلاغه، سید علینقی فیض الاسلام، تهران: آذربادگان.
۱. آمدی، عبدالواحد، ۱۳۳۷ ش، *عمر الحکم و درر الکلم*، مترجم: محمدعلی، انصاری، قم: دارالکتاب.
۲. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، ۱۳۷۳ ق، *شرح نهج البلاغه*، جلد ۱۱-۱۲، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۳. جعفری، سیدمحمد مهدی، ۱۳۸۰ ش، *آموزش نهج البلاغه*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴. صائب تبریزی، محمد علی، ۱۳۹۸، *دیوان*، جلد ۱، به اهتمام: منصور جهانگیر، چاپ نهم، تهران: انتشارات نگاه.
۵. خضری، علی، ۱۳۹۴ ش، همایش حکیم ناصر خسرو قبادیانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۶. دشتی، محمد و محمدی، سید کاظم، ۱۳۸۰ ش، *المعجم المفهرس لالفاظ نهج البلاغه*، قم: انتشارات مشهور.
۷. رانی، محسن، ۱۳۸۳ ش، *تأثیر نهج البلاغه و کلام امام امیر المؤمنین علی (علیه السلام) در شعر فارسی*، چاپ اول، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۸. صفا، ذبیح الله، ۱۳۹۹ ش، *تاریخ ادبیات در ایران*، جلد ۵، تهران: انتشارات فردوس.
۹. مکاریک، ایرناریم، ۱۳۹۸ ش، *دانشنامه نظریه های ادبی*، مترجمان: محمد، نبوی، مهران، مهاجر، چاپ ششم، تهران: آگه.
۱۰. نامور مطلق، بهمن، ۱۳۹۴ ش، *درآمدی بر بینامتنیت نظریه ها و کاربردها*، چاپ دوم (ویرایش دوم)، تهران: انتشارات سخن.

### مقالات

۱۱. پورهادی، آتنا، ۱۳۹۱ ش، *مجموعه مقالات نخستین همایش ملی نهج البلاغه و ادبیات*، جلد ۳، قم: نشر آ.
۱۲. جعفری، سیدمحمد مهدی، ۱۳۸۴ ش، *تأثیر نهج البلاغه بر ادب فارسی. علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیواز*، ۲۲(۴۲)، ۱-۱۸.

۱۳. حجت، محمد، ۱۳۹۰ ش، نمود آموزه های عرفانی در اشعار بیدل دهلوی، *زبان و ادب فارسی*، ۳(۹)، ۴۷-۷۶.
۱۴. حسینی اجدادنیکی، سیداسماعیل؛ رخشنده‌نیا، سیده اکرم؛ بانگ‌آور، سودابه، ۱۳۹۱ ش، *چکیده مجموعه مقالات نخستین همایش ملی نهج البلاغه و ادبیات*. قم: نشر.
۱۵. خورانی، بهزاد؛ شریفی، غلامحسین، ۱۳۸۹ ش، صائب تبریزی و هنجارهای اخلاقی: بازنمایی اخلاق در عصر صفویه. *اخلاق*، ۲۲، ۲۵-۵۰.
۱۶. ساحلی زادگان، آسیه، ۱۳۹۷ ش، بررسی تطبیقی تأثیر نهج البلاغه بر اشعار شاعران ایرانی و استاد شهریار، *فصلنامه اورمزد*، ۴۴، ۴-۲۵.
۱۷. مختاری، قاسم؛ محبی، سحر، ۱۳۹۳ ش، بینامتنی قرآن و نهج البلاغه در اشعار خیام نیشابوری و ابوالعلاء معری، *پژوهش‌های ادبی-قرآنی*، ۲(۱)، ۶۳-۸۰.
۱۸. مهدوی، معصومه، ۱۳۹۱ ش، *مجموعه مقالات نخستین همایش ملی نهج البلاغه و ادبیات*، جلد ۴. قم: نشر.
۱۹. همتی اویلق، خدیجه؛ محمدی، احمد، ۱۳۹۱ ش، *چکیده مجموعه مقالات نخستین همایش ملی نهج البلاغه و ادبیات*. قم: نشر.

